



درس اخلاق آیت الله مظاهری؛ ایمان باعث حیات طیبه در دنیا و آخرت می شود/ لزوم معرفت به اهل بیت

آیت الله مظاهری گفت: هرکه ایمان داشته باشد و طبق آن ایمان عمل کند، حیات طیب در این دنیا و حیات طیبتر در آخرت دارد. قرآن وقتی اسم ایمان را می آورد به دنبال آن اسم عمل صالح را نیز می آورد.

آیت الله مظاهری گفت: هرکه ایمان داشته باشد و طبق آن ایمان عمل کند، حیات طیب در این دنیا و حیات طیبتر در آخرت دارد. قرآن وقتی اسم ایمان را می آورد به دنبال آن اسم عمل صالح را نیز می آورد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح درس اخلاق آیت الله مظاهری در تاریخ 30 دی ماه است که در ادامه می خوانید؛

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام على خير خلقه أشرف بريته ابوالقاسم محمد صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين و على جميع الانبياء والمرسلين سيما بقية الله في الأرضين و لعنة الله على اعدائهم أجمعين.

شب جمعه متعلق به قطب عالم امکان و محور عالم وجود و واسطه بین غیب و شهود، یعنی حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است؛ اظهار ارادت کنید خدمت آقا با سه صلوات.

بحث هفته گذشته درباره رابطه عملی ما با اهل بیت «سلام الله علیهم» بود. یعنی ما باید در عمل شباهت به اهل بیت «سلام الله علیهم» داشته باشیم. همین طور که آنها معصومند، ما هم متقی باشیم. قرآن شریف در بیش از دویست جا این حرف هفته گذشته مرا تأیید فرموده است. در قرآن جایی نداریم که فقط بگوید ایمان داشته باش، بلکه همه جا می گوید ایمان و عمل صالح.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [1]

هرکه ایمان داشته باشد و طبق آن ایمان عمل کند، حیات طیب در این دنیا و حیات طیبتر در آخرت دارد. همه جا قرآن وقتی اسم ایمان را می آورد به دنبال آن اسم عمل صالح را نیز می آورد. هفته گذشته من تقاضا کردم از همه و مخصوصاً جوان ها که رابطه تان با اهل بیت «سلام الله علیهم» عالی باشد، از نظر عقیده رابطه خوبی دارید و از نظر شعار الحمد لله رابطه خوبی دارید، اما از نظر عمل نیز رابطه عقیدتی و شعاری را داشته باشید و قرآن این را جداً می خواهد.

بحث امشب رابطه ما با اهل بیت «سلام الله علیهم» از نظر معرفت است. اینکه ما امام شناس باشیم. این روایت را سنی و شیعه نقل کرده اند و همه شنیده اید که: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» [2]. در بعضی روایات دارد: «... مَاتَ مِيتَةً قَفْرٍ وَ نِقَاقٍ» [3]

کسی که معرفت به اهل بیت «سلام الله علیهم» نداشته باشد، ایمانش در مخاطره عجیبی واقع می شود. دشمن درون و دشمن برون و دشمن جتی و دشمن انسی ایمانش را می برند. مخصوصاً در زمان ما که شبهه زیاد شده و این جوان هرکجا برود مورد شبهه واقع می شود و حتی معلم بی ادب شبهه راجع به تشیع سر کلاس می کند و در هر جلسه ای بنشینیم شبهاتی درست کرده اند و یکی پس از دیگری به ما القا می کنند. پس ما باید امام شناس باشیم و الا تشیع ما را می برند و لاًقل تشیع ما را مورد تردید قرار می دهند. لذا همین طور که باید متابعت از اهل بیت «سلام الله علیهم» داشته باشیم، باید معرفت به اهل بیت «سلام الله علیهم» داشته باشیم. از نظر قرآن و از نظر روایات و از نظر خارج، تشیع دیوار فولادی است. قرآن تشبیه کرده به درخت کهن میوه داری: «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ، تُؤْتِي أَكْثَرًا كُلِّ حِينٍ يَدُّن رِبَّهَا» [4]

تشیع درخت ریشه دار و شاخه دار پرمیوه است. تشیع را درست کن و از میوه آن در دنیا و آخرت استفاده کن، و ما معمولاً در این باره لنگیم. عقیده به اهل بیت «سلام الله علیه» داریم و تا سرحد عشق علی را دوست داریم، اما نمی توانیم جواب دهیم که علی کیست؟ ما امام جواد «سلام الله علیه» را امام نهم و امام هادی «سلام الله علیه» را امام دهم می دانیم، اما امام جواد و امام هادی «سلام الله علیهما» چه کسانی هستند و چه کردند و چه دلیلی بر برتری آنها هست؟ چرا اینها امامند و بالاخره چرا ما باید از آنها متابعت کنیم تا شیعه شویم؟ روایت می فرماید: اگر معرفت نداشته باشید، دشمن درون و دشمن برون لاًقل به واسطه شبهه، یا مورد تردید قرار می دهد یا می برد. ناگهان چشم باز می کنید و می بینید تشیع رفته و یک خرافات جای آن نشسته است. برگرداندن آن هم کار بسیار مشکلی است. لذا از اوجب واجبات برای ما اول، امام شناسی و شیعه شناسی است. اینکه تشیع چه

می‌گوید؟ ائمه‌طاهرین «سلام‌الله‌علیهم» چه امتیازی بر دیگران دارند؟ همه باید خیلی روان بتوانیم جواب دهیم.

اصول دین تقلیدی نیست. ما اصول دین و فروع دین داریم. فروع دین را باید تقلید کنیم. مثل اینکه طبیب به شما می‌گوید این قرص را هر هشت ساعت یکی بخور و این آمپول را یک روز در میان بزنی و شما با کمال متابعت نسخه را می‌خورید و بعضی اوقات می‌خورید و بعضی اوقات نمی‌خورید و بعضی اوقات خوب نمی‌شوید و نزد او می‌روید و می‌گویید من این نسخه را خوردم و خوب نشدم. اما به او نمی‌گویید چرا این قرص را هشت ساعت یکی بخورم یا این آمپول را در شبانه‌روز یکی بزنی؟ می‌گویید این دکتر است و متخصص است و می‌داند و من نمی‌دانم. لذا جاهل باید به عالم مراجعه کند. دلیلش هم خیلی واضح و هویداست. لذا در فروع دین باید تقلید کنیم. الحمدلله از زمان غیبت صغری تا الان بلکه در زمان ائمه‌طاهرین «سلام‌الله‌علیهم» مراجع تقلید بوده‌اند و ائمه‌طاهرین «سلام‌الله‌علیه» ارجاع می‌داده‌اند به مراجع تقلید و بالاخره آقا امام زمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» ارجاع داده‌اند به مراجع تقلید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» [5]

لذا باید رساله مرجع تقلید در خانه ما باشد. هم برای خودمان و هم برای خانواده و هم برای بچه‌هایمان. باید رساله بخوانیم و مسابقه رساله بگذاریم و تشویق در مسئله کنیم و بالاخره از نظر فروع آشنا باشیم. البته نه از نظر دلیل بلکه آن هفتاد و هشتاد سال خون جگر شبانه‌روزی می‌خواهد تا مجتهد جامع‌الشرایط شود و این رساله را به مردم بدهد. اگر آشنا به رساله نباشیم، معلوم است که گمراه می‌شویم. آنگاه سر خود گناه می‌کنیم و ندانسته نمازهای غلط می‌خوانیم و روزه‌های باطل می‌گیریم.

نمی‌شود بدون دکتر دوا بخوریم و خودمان دکتر خودمان باشیم. یا کسی را که دکتر نیست، دکتر قرار دهیم و از او متابعت کنیم. در این صورت اگر مردیم، هم او ضامن است و هم خودمان. لذا همه ما باید به رساله مرجع تقلید آشنا باشیم. این فروع دین است و اما تقلید است و استدلال نیست و البته این را نخواستند و نمی‌شود که همه مجتهد جامع‌الشرایط شوند. لذا دستور داده‌اند و قرآن هم دستور داده است که: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا تَعَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» [6]

باید دسته‌ای بروند و طلبه شوند، شبانه روز زحمت بکشند و شبانه روز خون جگر بخورند تا بعد هفتاد هشتاد سال بتوانند رساله بنویسند و رساله را به مردم دهند و مردم عمل کنند.

اما راجع به اصول دین، این نیست، بلکه اجتهاد می‌خواهد. همه باید در اصول دین مجتهد باشیم. باید فوراً بتوانیم جواب دهیم که به چه دلیل خدا هست! به چه دلیل خدا مستجمع جمیع صفات کمالات است! ما باید فوراً جواب دهیم و دلیل بیاوریم. به چه دلیل خدا عادل است، به چه دلیل پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» پیغمبر است و معجزه‌اش چیست؟ اگر قرآن معجزه پیغمبر است، این قرآن چیست که معجزه تا روز قیامت است؟

امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» به چه دلیل امام اول است؟ تا اینکه برسد به اینجا که ما شیعیان دوازده امام داریم و به چه دلیل امام دوازدهم ما غائب است و روزی ظاهر می‌شود و به دست شیعه و به رهبری او پرچم اسلام روی کره زمین افراشته می‌شود و حکومت اسلامی سرتاسر جهان را می‌گیرد؟ باید فوراً بتوانیم به اینها جواب دهیم. اما معمولاً مردم گیرند، یعنی مقصّرند. یعنی اگر دشمن درون و دشمن برون و دشمن انسی و دشمن جتی او را برد، مقصر است. در روز قیامت به او می‌گویند چرا گمراه شدی؟ می‌گوید نمی‌دانستم و می‌گویند چرا یاد نگرفتی؟ تو که دو سه ساعت عمرت را صرف فیلم می‌کنی، خوب بود یک ساعت هم صرف اصول دین کنی. الحمدلله کتاب در این باره زیاد نوشته شده است و شیعه مستغنی است.

عبقات بیست‌سی جلدی دارد و احقاق‌الحق سی‌چهل جلدی دارد. کتاب‌های کوچکی مثل کتاب سلطان العلماء دارد که خیلی هم شیرین است و المراجعات که بسیار پرمحتواست. کتاب‌های دیگر هم فراوان است و هزاران کتاب در شیعه نوشته شده است. من در سال اولی که به اصفهان آمدم شب‌های جمعه شروع کردم یک دوره اصول دین گفتم و چاپ هم شد. بعد هم یک دوره فروع دین گفتم و آن هم چاپ و منتشر شد. [7] علماء و بزرگان خیلی زحمت کشیده‌اند و درباره اصول دین و فروع دین کتاب نوشته‌اند و بالاخره درباره تشیع و این درخت ریشه‌دار خیلی صحبت شده است. شما اگر در شبانه‌روز یک ساعت، چه بیسواد و چه باسواد عمرتان را صرف تشیع کنید از نظر معرفت - معرفت در فروع دین و معرفت در اصول دین - آنگاه حسابی آشنا به تشیع می‌شوید. ننگ است و عیب است، هشتاد درصد مردم راجع به تشیع، هم فروع دین و هم اصول دین، لنگند.

امام عسکری «سلام‌الله‌علیه» کیست و چند سال عمر کرده و عمر مبارکش در چه چیز صرف شده و به چه دلیل امام است و به چه دلیل باید او را امام یازدهم حساب کنیم؟ همه اینها دلیل و برهان دارد و درباره آن کتاب نوشته شده است. معمولاً الآن مردم اگر لاابالی باشند وقت آنها صرف ماهواره‌ها و اینترنت‌ها و موبایل و رفیق‌بازی و شهوات و شهوت جنسی و بدبختی می‌شود و اگر مقید باشند و ماهواره و اینترنت و امثال اینها را نداشته باشند، اما دو سه ساعت فیلم می‌بینند. اگر صحیح باشد و

در آن شهوت و دروغ و تهمت و شایعه‌پراکنی نباشد، دیدن آن حرام نیست، اما در مقابل جهل ما، باید بگوییم حرام است. به این معنا که باید این فیلم را نبیند و راجع به فروغ دین تحقیق کند و خودش و زن و بچه‌اش آشنا به رساله مرجع تقلید باشند. الان شما آدم‌های خوبی هستید اما هیچکدام تسلط بر رساله ندارید. در حالی که باید تسلط حسابی به رساله باشد. در عرض یک سال یا دو سال اگر کسی به جای این فیلم‌ها یک ساعت یا دو ساعت در شبانه‌روز صرف رساله کند، آشنا به فروغ دین می‌شود.

راجع به اصول دین هم خیلی آسان است و خیال نکنید استدلالی خاص است. به اندازه عقل هرکسی استدلال در تشیع داریم، زیرا: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكْلِمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» [8]

کسانی که کتاب استدلالی دقیق دارند و کسانی که کتاب برای عوام نوشته‌اند، فراوان هستند. حال کسانی که در اصول دین لنگند، در روز قیامت دو تا سوال از آنها می‌شود و هیچکدام را نمی‌توانند جواب دهند. کسی که کتاب را نوشته به او می‌گوید چرا به کتاب من عمل نکردی؟ من زحمت کشیدم و کتاب را برای توی عامی نوشتم و استدلال داشتم، پس چرا عمل نکردی؟ اما مهم‌تر، خداست. کسی که مجتهد در اصول دین نباشد، از او سؤال می‌کنند چرا شناخت از ائمه طاهرين «سلام‌الله‌علیهم» نداشتی، چرا نمی‌دانستی زهرا کیست و مصحف زهرا یعنی چه؟ اینکه زهرا الگوست در زمان غیبت یعنی چه؟! امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» عالم به علم ماکان و مایکون و ما هو کائن است، یعنی چه؟! اگر گفت نمی‌دانستم، خطاب می‌شود چرا یاد نگرفتی؟! آنگاه جهنمی می‌شود.

معرفت دوش‌به‌دوش عمل است. همینطور که عمل و رفتار ما باید متابع تشیع باشد، معرفت ما راجع به اهل‌بیت «سلام‌الله‌علیهم» نیز باید بالا باشد. در شبانه‌روز یک ساعت صرف کن و خدا هم کمک می‌کند، زیرا پروردگار عالم قول داده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» [9]

هرکه بخواهد ما هدایتش می‌کنیم. اگر ضلالت آمد، خودش نخواسته و الا خدا کسی را گمراه نمی‌کند. خدا صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاده برای هدایت. خدا پیامبرها را فرستاده در میان این مردم و مردم چقدر اذیت به این پیامبرها کردند و آنها صبر و استقامت برای هدایت کردند. پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرمایند: «مَا أَوْذَىٰ تَبَىٰ مِثْلَ مَا أَوْذَىٰ» [10]؛ هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد. خیال نکنید پیامبران قبلی اذیت نشدند. پیغمبری از دست دشمن فرار کرد و می‌خواستند او را بگیرند. با معجزه گفت درخت مرا در بر بگیر. و درخت او را گرفت و او درون درخت رفت؛ تا شاید ایمان بیاورند. اینکه درخت از سخن او متابعت کرد و او در درخت رفت معجزه بود، اما آنها رفتند اره دو سر آوردند و درخت را با آن آقا نصف کردند!

یکی از کارهای زشتی که مردم راجع به پیغمبر کرده بودند، این بود که دستور داده بودند اراذل و اوباش آقا را سنگباران کنند. لذا آقا از خانه بیرون می‌آمدند تا به مسجد الحرام بروند و آقا را سنگباران می‌کردند. بعضی اوقات فرار می‌کردند به مسجد و در مسجد در امان بودند و بعضی اوقات فرار می‌کردند و به خانه بازمی‌گشتند و خانه را سنگباران می‌کردند. حضرت خدیجه «سلام‌الله‌علیها» دم درب می‌ایستاد و پشت به سنگ‌ها و رو به اطاق. بعضی اوقات هم پیغمبر به بیابان‌ها فرار می‌کرد.

حضرت خدیجه «سلام‌الله‌علیها» می‌گوید من و امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» که جوان بود راه می‌افتادیم و این طرف و آن طرف می‌رفتیم و پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» را تشنه و گرسنه زیر سنگ یا خاری پیدا می‌کردیم و زمزمه داشت و زمزمه این بود که خدایا اگر بخواهی راضی شوم، اینها را هدایت کن. همان‌که بارها می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» [11]؛ اینها جاهلند و نمی‌فهمند، اینها را عذاب نکن. پیامبر هدایت‌گر از جانب خدا بودند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» [12]. پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرمودند آمده‌ام هدایت کنم و شما باید که یا هدایت‌پذیر می‌شوید یا نه! و اگر نشوید، ضلالت و گمراهی است.

خدا صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و از جمله پیغمبر خاتم را فرستاده و خدا از زمان آدم تا الان و تا روز قیامت این روحانیت که به آن نبی تبلیغی می‌گوییم، فرستاده در میان مردم برای هدایت مردم. اهل‌بیت «سلام‌الله‌علیهم» این همه اذیت و شکنجه و شهادت داشتند برای هدایت مردم. ما می‌دانیم که باید هدایت‌پذیر باشیم و این هدایت را بپذیریم و این از اوجب واجبات است. اگر از شما پرسند از اوجب واجبات چیست، بگویید اول معرفت است. روایت را بخوانید از پیغمبر که سنی و شیعه نقل کرده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

[1]. النحل، 97: «هر کس -از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.»

[2]. کمال الدین، ج 2، ص 409 و نیز ر.ک: الغدير، ج 10، ص 192 تا 494.

[3]. الکافی، ج 1، ص 184.

[4]. ابراهیم، 24 و 25: «سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد.»

[5]. کمال الدین، ج 2، ص 484.

[6]. التوبه، 122: «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را -وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند- باشد که آنان [از کيفر الهی] بترسند؟»

[7]. مجموعه مباحث اصول دین و فروع دین حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری، قبلاً به صورت مجزا چاپ شده و مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء سلام‌الله‌علیها هر دو دوره را در یک کتاب، به نام «اسلام آئین رستگاری» منتشر کرده است.

[8]. المحاسن، ج 1، ص 195.

[9]. العنکبوت، 69: «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»

[10]. مناقب آل ابی‌طالب، ج 3، ص 247.

[11]. رک: بحار الأنوار، ج 18، ص 241؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج 1، ص 192؛ الخرائج و الجرائج، ج 1، ص 164.

[12]. الانسان، 3: «ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار.»